



## يك منداز جريان كارها در زمان محمد شاه قاجار

ياد داشت و خلاصه مطالب و درخواستهای مراجعان بخط قائم مقام ثاني ميرزا ابوالقاسم فراهاني كه براي كسب دستور بعرض محمد شاه رسیده و او همه را جواب داده است

۱

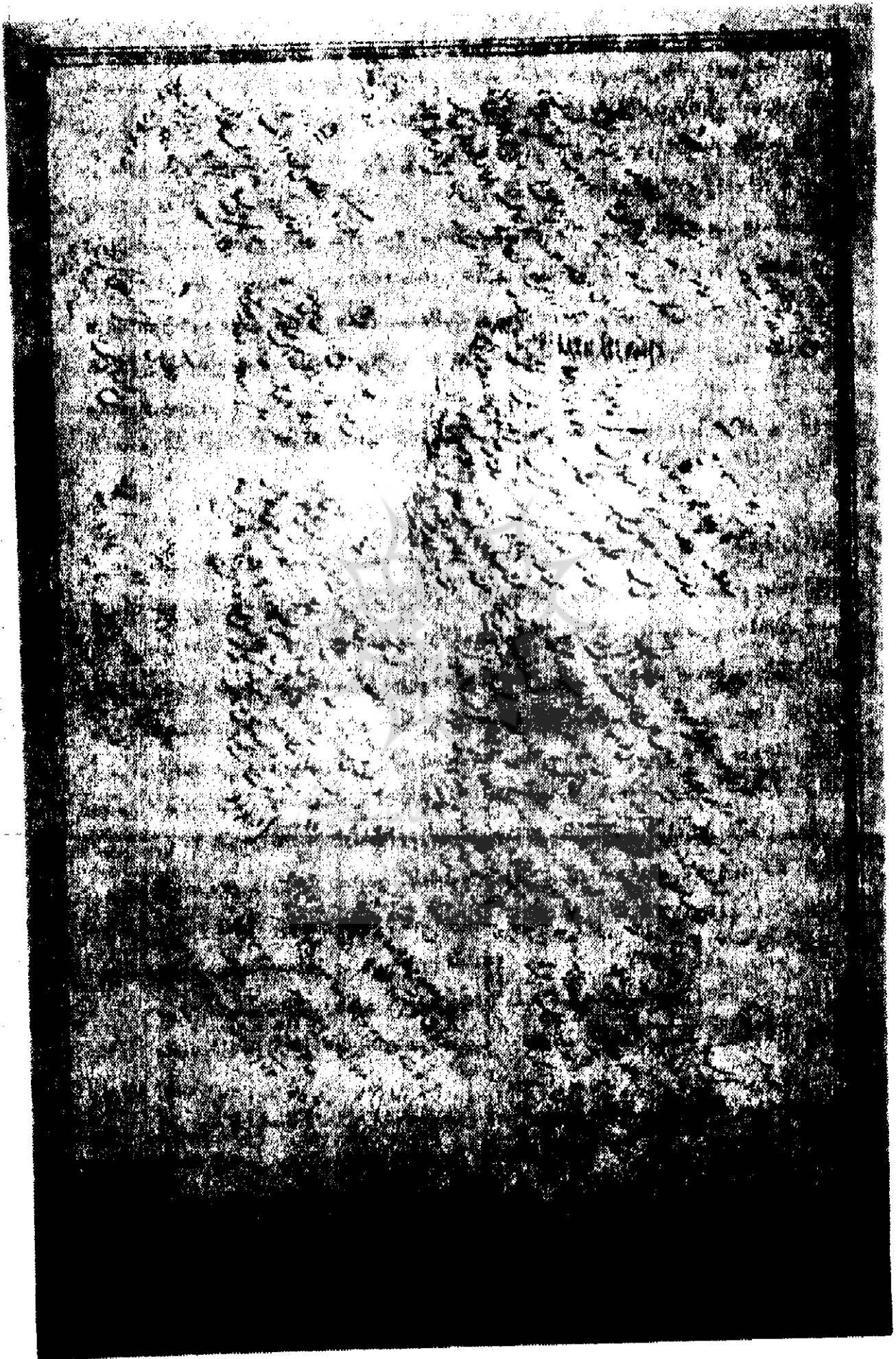
نواب بهمن ميرزا دوازده هزار تومان و ۱۲۰۰ خروار راضي است كسه شش هزار تومان وجه و دويست خروار حواله اردبيل شود اوقات وليعهدي شاه و اخراجات من در اردبيل ۸ هزار و ۱۵۰۰ تومان مقرري و مداخل داشتيم حال با وجود پادشاهي و خرج زياد من در تهران چهار هزار تومان علاوه داده شود خيلي بجا است. اخراجات تهران من دخيلي است اگر اردبيل بودم بآنچه بود راضي بودم. وزير هم سوای عاليجاه ميرزا علي ديگري را نميخواهد و هزار تومان هم از اين وجه نقد ميخواهد.

جواب محمد شاه به قسمت اول: «شش هزار تومان ماهي پانصد تومان ميدهم و خرج خوراك و پوشاك و نوكر سوای غلام و اندرون و بيوتات موافق قرارداد.» اما به قسمت آخر نامه در خصوص وزير كه ميرزا علي را خواسته است بطور مختصر و موجز ولي مرموز جواب داده: «علي را ميدهم بشرط تنقيه اخلاط فاسد» معلوم نيست اشاره «تنقيه اخلاط فاسد» مربوط به كيست؟ و تصور ميروود مقصود خود بهمن ميرزا است كه ادعای سلطنت داشته و خود را احق و اليق از برادر ميپنداشته است.

۲

كاشانيها راضي اند به عباسقلي خان جمعي كه ميرزا طاهر داده خط سيد محمد ۸۶ هزار تومان ۱۶ هزار تومان تخفيف بوده باقي را مقاطعه نموده است اما سيد محمد ميگويد از

\* آقاي حسينعلي باستاني راد از پژوهندگان صاحب نظر.



معامله دوازده هزار تومان لاوصول است و شصت هزار تومان وصولی اگر عمل سید را معمول میدارید اینست میگوید قدری بر مردم مشکل است جمع مرحوم میرزا آقا با ۶۴ هزار تومان بوده است نوزده هزار تومان تخفیف مستمری داده اند - ۵۶ هزار تومان مقاطعه کرده اند ۴ هزار تومان هم وجوه هوایی دارند باری اگر قرار معامله را شصت هزار تومان بگذارید و تخفیف لاوصول رادو هزار تومان اسم با اسم منظور دارند هفتاد هزار تومان بدهند خوب است با سید محمد همه طوری میتوان کنار آمد آدم درستی است - فرد جزو ۸۶ هزار تومان را با ۶۵ هزار تومان دارم تا چه مقرر شود محمد شاه در بالای یادداشت نوشته است: (میرزا یوسف برود ممیزی نماید) و قائم مقام جواب داده که راضی به ممیزی نمیشوند و میگویند آنچه خرج ممیزی میدهیم و نمبیریم. و در وسط یادداشت یعنی سطر پنجم و جمله تخفیف مستمری داده اند خط ریز از محمد شاه است که بطور اریب نوشته: (پوچ است و به رعیت نرسیده در میان خورده اند).

### ۳

حضرات نوریه اجماعی کرده بودند که میرزا آقا جان کیست و چه عرضه دارد که در باب کل نور حرف بزنند بزرگ نور اولاد میرزا اسدالله بزرگ و حسنعلی خان بوده اند اگر فضلی خان اینجا باشد او را قبول داریم اولاهریک بلوکی داریم - اشخاصی که آمده بودند اینها اند: میرزا محمد حسین، میرزا مجید، میرزا محمد رحیم، میرزا اسمعیل، حسنخان، میرزا عنایت الله برادر میرزا زکی و ممکن است میرزا تقی پسر میرزا زکی و میرزا بزرگ و میرزا احمد هم با ما موافق اند و راست میگویند جمعی دیگر هم بودند که نشناختیم اگر فضلی خان از اردبیل بیاید همه به او راضی اند تعهد هم مینمودند که هر یک الواط و اشرار محل خود را محبوساً التزام داده میآوریم - حضرات در باطن معین الواط اند و عمداً آنها را برای کار خود در دست دارند. اینجا کلمات و حرفی است که رمز است و محمد شاه کلید و مفتاح آنرا داشته که هم دریافته و هم جواب نوشته که در گوشه یادداشت قائم مقام دیده میشود. مفید و مختصر

فان ۹۲ ۵۲۳ ۲۳ث  
میرزا نصرالله خان برود اردبیل فضلی خان بیاید خیلی خوب است.  
محمد شاه در اواخر سطر پنجم در جواب موافق اند بطور اریب و با خط ریز چنین نوشته است:

(پرسید تا راست و دروغ مشخص شود - و در پایان یادداشت قائم مقام مفید و مختصر چنین نوشته: (رشتی برود نوری بیاید دیزجی مستحفظ باشد)

### ۴

فرضی بیگ میگوید من راضی نیستم که بزرگان آذربایجان را (دو سطر به رمز

نوشته که چون حل آن مشکل است و مفتاح و کلید آنرا هرچه دقت کردم نتوانستم بیابم  
نقل آنرا بیفایده دانستم و صرفنظر کردم)

حسنعلی خان پسرش را اگر قم روانه میفرمائید هزار علاوه میدهد والا سیصد تومان  
موجب او را برقرار فرمائید برود آذربایجان خودش هم مکه میخواهد برود. پاشا خان هم  
اگر مرخص است بقدر موجب خود و پدر و برادر علاوه بر دو دانکه دهی از قراداغ میخواهد.  
آقاملك و آقا حسین از قم آمده اند پیش عباسقلیخان انداز جمله صدقرا باغی قم ده نفر آذربایجان  
رفته اند. ۴۰ حاضر است میخواهند آنچه خوب است بماند غلام شود اسب و اسبابی دارند  
به قراباغ بروند حیف است.

جواب را محمد شاه در گوشه پائین یادداشت چنین نوشته: اختیار با فرضی بیگ است  
و در زیر سطر آخر و درخواست غلام شدن فقط دو کلمه جواب نوشته: بطور مفید و مختصر  
و آمرانه و شاهانه (غلام ضرور نیست)

۵

امروز باز کیکاوس میرزا در باب قم اصرار دارد و ده هزار را می دهد نصف نقد و نصف  
حاج ملاعلی را ضامن میدهد از آنچه نقد میدهد دو هزار و پانصد تومان که داده است حساب مینماید  
جواب این یادداشت را محمد شاه به رمز نوشته و فقط در آخر آن کلمه نمیشود  
خوانده می شود.

۶

چهار محالی جمع دهات امین الدوله را قبول ندارند دو سه سالی که میرزا اسمعیل  
تفرشی که پیش سردار بود مباشر آنجا بود - او را میفرمائید برود بازدید آنجا را بنماید.  
جواب محمد شاه: دهات امین الدوله را بخسروخان بدهید عوض ضبط کند.

۷

مهدی قلیخان پسر سردار دو هزار و پانصد تومان مقرری اصفهان از قسرا نوشته که  
تاج الدوله نوشته است علاوه بر جمع آنجا دارد استدعا دارد که آن وجه علاوه اصفهان  
شود و عوض دهات آباد و خراب خودشان که در قزوین است داده شود - ابراهیم آباد خالصه  
که دست آنها بود و سالی که اصفهان رفتند به تاج الدوله دادند و با کل منافع پانصد و  
هشتاد تومان جمع دارد آنرا از بابت همین ۲۵۰۰ تومان باز باو مرحمت فرمائید خلاصه کار  
اینها خیلی خراب و ضایع است و مستوجب رعایت اختیار دارید - علیقلی خان هم ادعای  
پانصد تومان موجبی که از ولیعهد مغفور داشت دارد.  
در گوشه یادداشت چنین جواب داده: باید اصفهان برود هزار بگذرانید.

میرزا رجبعلی عرض می کند (شش سطر همه رمز است که نقل آنها سودی ندارد) و از جوابی که محمد شاه داده شاید بتوان موضوع اصل را به حدس و گمان دریافت - جواب محمد شاه در دو جمله مختصر چنین است:

صندوقداری ممکن نمیشود ضابطی ممکن میشود.

طالقان را حاجی میر کریم خان قزوینی بمبلغ پنجهزار تومان قبول دارد. جواب محمد شاه چنین است: خودشان چهار هزارو پانصد بدهند بهتر است.

رودشتی و جرقویه و برائی بلوکات اصفهان آمده اند علاوه بر جمع میدهند که سر و کار آنها با علی اکبر خان نباشد میگویند سر راه را گرفته اند و نمیگذارند از اصفهان رعایا بیایند. جواب محمد شاه که زیر خط کشی جدول رفته خواننده نمیشود.

توضیح - گرچه خوانندگان مجله که از دانشمندان و فضیای قوم بوده و با ارقام سیاق آشنا می باشند و نوشتن آن زائد بنظر می آید - باز برای عده ای که ممکن است اطلاع واستحضار کافی نداشته باشند بترتیب شماره ای که بالای آنها نهاده شده تکرار می شود.

۱ - که مربوط به بهمن میرزا است ۱۲۰۰۰ هزار تومان و ۱۲۰۰ خروار جنس که گندم و جو می باشد خواسته و در جوابی که محمد شاه داده : شش هزار تومان است از قرار ماهی ۵۰۰ تومان

۲ - راجع به کاشان ۸۶۰۰۰ تومان و چهارده هزار تومان تخفیف و ارقام دیگر که آمده است ۱۲۰۰۰ و ۶۰ هزار و ۶۴ هزار و ۸ هزار و ۵۶ هزار و ۴ هزار و ۹ هزار و ۷۰ هزار و رقم بعد هم ۸۶ هزار است و ۶۴ هزار تومان.

\* \* \*

معلوم می شود بهمن میرزا و شاید سایر شاهزادگان علاوه بر مواجب نقدی مقداری هم مقرری و جیره جنسی (گندم و جو) داشته اند که در قسمت اول تقاضای بهمن میرزا منعکس است و این جیره و مقرری جنسی را هم از محصول خالصجات و یا مالیاتهای جنسی مأمورین بساحبان احکام میداده اند و بعضی مواقع بنا بمصلحت و یا گرانی و ارزانی غله تسعیر مینموده اند و در تحویل و تحول مقرری های جنسی اختلافات زیاد پیدا می شده که دود آن بیشتر بچشم رعایا میرفته است و آنان متحمل زیان و آزار بی اندازه می شده اند و بناچار جلای وطن و آوارگی اختیار میکردند و سرانجام آواره می گشتند و بفلاکت می افتادند.